

زندگی خانم طاهایی کتاب شد

خانواده‌های مذهبی مشهد، با نام خانم طاهایی به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته تبلیغات مذهبی در این شهر آشنا هستند. فاطمه‌سادات سیدخاموشی معروف به (طاهایی) مؤسس و مدیر مدرسه علمیه نرجس مشهد است. او متولد ۱۳۰۹ در تهران است که بعد از ازدواج در مشهد ساکن می‌شود. او در دوره حققان سیاسی پهلوی و اضمحلال فرهنگ دینی در جامعه ایرانی به‌تنهایی پرچم تربیت دینی بانوان مشهد را



ساناز فندری
فرهنگ و هنر

است. به مناسبت فرارسیدن سالروز شهادت مصطفی چمران گفت‌وگویی با جوانبخت و نوری انجام دادیم و یاد کردیم از آثاری که هر کدام می‌توانند بخشی از دفتر تاریخ سیاسی کشورمان را ورق بزنند.

۴۲ سال از آسمانی شدن مصطفی چمران معروف به دکتر چمران می‌گذرد و آثار متعددی در قالب کتاب، فیلم، نمایشنامه و خاطره درباره ایشان منتشر شده. به‌قدری که کمتر کسی را می‌توان یافت که شهید چمران، فرمانده ستاد جنگ‌های نامنظم که در ۳۱ خرداد سال ۶۰ به شهادت رسید را نشانسد. زندگی حماسه‌آفرین و پرفراز و نشیب دکتر مصطفی چمران از مقاطعی بسیار گوناگون و حساس شکل گرفته است که بسیار با هم متفاوت هستند اما آنچه مثل نخ تسبیح این اتفاقات را ردیف و به هم متصل کرده اندیشه‌های متعالی و شیدایی‌اش برای تکامل روح انسانی و وصول به معشوق و لقای حق است. فقدان او به‌عنوان عضوی تاثیرگذار و منحصر به‌فرد در حوزه مقاومت هنوز که هنوز است به چشم می‌خورد اما آنچه بیشتر در جامعه کنونی حائز اهمیت است لزوم آشنایی مخاطبان جوان با قهرمانی است که یاد و نامش همیشه در قلب هر ایرانی جاودانه می‌ماند. از پر مخاطب‌ترین آثار منتشر شده درباره شهید مصطفی چمران در قالب کتاب «موتورسوار چمران» به نویسنده‌گی حمیدرضا جوانبخت و در قالب مستند «خاطرات موتورسیکلت» به کارگردانی امیرحسین نوروزی

دقت‌ر تاریخ سیاسی کشورمان را ورق بزنند.



شنیده‌نشده‌ای است از سال اول جنگ که معمولاً کسی راجع به آن صحبت نمی‌کند. در این سال در حالی‌که تمام کشور درگیر التهابات سیاسی است، شهید چمران نهادهای رابیناگندازی می‌کند به نام ستاد جنگ‌های نامنظم.

تعریف شما از ستاد جنگ‌های نامنظم چیست؟

مردم‌نهادترین ارگان نظامی که وقتی منحل شد، دیگر حتی شبیه به آن بوجود نیامد. در سال‌هایی که بسیج و سپاهی نیست و ارتش بسیار ضعیف است، شهید چمران ستاد جنگ‌های نامنظم را پایه‌گذاری می‌کند و انواع و اقسام شخصیت‌ها را در آنجا گرد هم می‌آورد. نگاهی که شهید چمران در گردآوری تفکرات مختلف کنار هم داشت، نگاهی است که تکه‌گمشده پازل امروز حاکمیت جامعه ما است.

اگر قرار باشد مقایسه‌ای بین این کتاب با سایر کتاب‌هایی که در حوزه جنگ تحمیلی و دفاع مقدس نوشته شده، ارائه دهید به چه موارد قابل اعتنایی اشاره می‌کنید؟

حدوداً یک‌سوم کتاب «موتورسوار چمران» روایت زندگی قبل از جنگ سید

یک شخصیت کاریزماتیک

رواداری، پذیرش، آغوش باز و صفا و صمیمیت. آغوش باز از ویژگی‌های شخصیتی است که هر کسی آن را ندارد. در جایی از کتاب می‌خوانیم که موتورسواران زمانی که در جبهه جنوب آموزش می‌بینند و همه را عامی کردند، شهید چمران در عملیات سوسنگرد زخمی می‌شود و آنها به دیدار شهید چمران می‌روند. عباس رابوکی روایت جالبی در اینجا دارد. می‌گوید چهره‌ای که همیشه از حزب‌اللهی‌ها در ذهن داشتیم، بسیار خشن و عیوس بود اما وقتی همه ما جوانان موتورسوار با شمای

برافراشت و با اخلاق حسنه و رفتار عالمانه‌اش، موجب جذب زنان و دختران بسیاری از اقشار مختلف فرهنگی و اجتماعی پای منبر دین شد. «زن‌ها روحانی نمی‌شوند» روایت‌زندگینامه داستانی اوست که به‌نشر انتشارات آستان قدس رضوی) آن را منتشر کرده و نویسنده‌اش اعظم عظیمی آن را براساس منابع مکتوب و مصاحبه با فاطمه‌سادات سیدخاموشی و فاطمه اعتمادی و زهره درسا نوشته است. بنای نویسنده در

این کتاب وفاداری به زندگینامه مستند خانم طاهایی بوده است اما از آنجا‌که قالب کار داستان است به‌ناچار در پرداخت موقعیت‌ها، رویدادها و شخصیت‌ها از تخیل استفاده شده است. بنابراین کتاب زندگینامه صرف نیست؛ داستان محض هم نیست؛ زیرا چنین چیزی خبری از واقعیات حیات شخص نمی‌دهد و زندگینامه وی محسوب نمی‌شود بلکه این اثر یک روایت داستانی با قلم ساده و روان است./ جام جم



مکتب



سالگرد شهادت دکتر چمران

چمرانی که طی ۳۰ سال «چ» شد

چیده شده‌اند، زمانی است که شهید اصغر وصالی زخمی و لنگان، تکیه داده به دیگر هم‌رزم مجروحش به داخل سنگر محاصره شده شهید چمران و محدود یارانش می‌آید و رادیوی دستی خود را با دست دیگر بلند کرده تا دلیل قطع شدن رگبار مسلسل‌ها و توپ‌ها و آربی‌چی هفت‌ها از سوی ضدانقلابیون و فریادهای ا...! اکبر را برای سنگر نشینان بگوید. او فقط می‌گوید: «همه رفتند، فرار کردند، چون خمینی عصایش را بلند کرد...».

و به‌دنبال آن، پیام و فرمان امام به نیروهای مسلح برای پایان بخشیدن به محاصره پناه (که ضبط کرده بود) را برای حاضران پخش می‌کند.

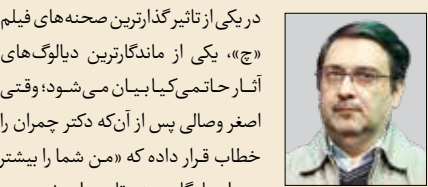
در واقع دکتر چمران پس از حماسه پناه چمران خمینی شد. یادداشت‌ها و مکتوبات وی پس از آن واقعه که در کتابی به نام

«کردستان» جمع‌آوری شده و به چاپ رسید، مصاحبه‌های متعدّدش چه درباره کردستان و چه درباره جنگ تحمیلی که تصاویرش نیز موجود است و قطعات عارفانه‌اش، همه و همه نشان از همان دکتر چمرانی دارد که لحظه به لحظه بیشتر و بیشتر در مسیر شدن (یعنی همان مسیری که بخشی از آن را در فیلم «چ» می‌بینیم) قدم برداشت

تا در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در جبهه دهلاویه به شهادت رسید! تاکنون هر آنچه در تولیدات سینمای ایران از اسطوره‌ها و قهرمان‌های تاریخ ایران و انقلاب پرداخت شده، شخصیت‌هایی تک‌بعدی و تخت بوده‌اند که از همان ابتدا دارای ویژگی‌های خاص و والای انسانی ترسیم شده‌اند که تا پایان نیز با همان خصوصیات و ویژگی‌ها پیش رفته‌اند اما شهید چمران فیلم «چ» از لحظه ورودی‌اش در فیلم (که در نمایی درشت مشغول پاک‌کردن شیشه‌های عینکش است) تا انتهای آن که در پس از شنیدن اثرات پیام امام، اشک‌هایش را از پشت شیشه‌های عینک پاک می‌کند و سپس در آن سکانس به اصطلاح ایی لوگ با نمایش نابودی تنها یادگار همسر و فرزندانش، چمران دیگری را به نمایش می‌گذارد، فرار و نشیب‌های متعددی دارد.

او در ابتدای ورودش همراه تیمسار فلاّحی، به اصغر وصالی می‌گوید که برای ارزیابی اوضاع آمده و اساساً دیدگاه جامعی از شرایطی که در پایه اتفاق افتاده، ندارد. او حتی نسبت به دشمن نیز ارزیابی دقیقی نداشت و از همین روی در آغاز، اقدام به مذاکره را در دستور کار قرار داده و در حین همین مذاکره حتی اسلحه‌های خود و یارانش را تحویل می‌دهد اما در اواخر فیلم، وقتی با لباس میدل و مابین فرصت ۳۰ دقیقه‌ای سراغ عناینی می‌رود تا آخرین مذاکرات را انجام دهد، نانجکی در دست دارد که حتی ضامن آن را نیز کشیده است.

می‌توان گفت در واقع حاتم‌کی، همه تحولات و تغییرات روحی و فکری شهید چمران در طول حدود ۳۰ سال (از مرداد ۱۳۳۲ و فعالیت در نهضت مقاومت ملی و بعد از آن انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و سپس دوران زندگی در آمریکا و ناسا و شرکت بل و سپس مهاجرت به لبنان و حضور در بنیان‌گذاری جنبش امل در کنار امام موسی صدر و بعد از آن و پیروزی انقلاب اسلامی، حضور در ایران و دولت‌بازرگان و وزارت دفاع و بالاخره نماینده امام در شورای عالی دفاع و ستاد جنگ‌های نامنظم و شهادت در دهلاویه) را در ۴۸ ساعت محاصره پناه خلاصه کرده و چمرانی را که در طول ۳۰ سال، چمران خمینی می‌شود را در همان زمان محدود یا بهتر بگوییم حدود ۱۳۰ دقیقه فیلم «چ» نمایش داده است. از همین روی در بیشتر لحظات فیلم، چمران را ثابت و به صورت تیپ نمی‌بینیم، بلکه انسانی بی‌قرار است و در حال تغییر و تحول یا بهتر بگوییم همان شدن تا بالاخره خود را برابر فرمان ولایت می‌بیند که چگونه همه کید و مکر دشمنان را با خیل ساز و برگ نظامی‌شان و انبوه افرادشان، همچون موم در برابر نور خورشید، آب می‌کند.



سعيدمستفائی
مستندساز و کارشناس سینما

اینجا چمران او را در آغوش کشیده و با حسرت می‌گوید: «... خوش به حال خمینی که چنین سربازهایی دارد...»

دکتر چمران در واقعیت تاریخی هم مانند فیلم «چ»، در آن ۴۸ ساعت محاصره پناه، شرایط دشواری را گذراند.

او از سوی دولت موقت مهندس یازرگان برای مذاکره آمده بود. (گرنیش این مقطع از زندگی دکتر چمران و تاکید بر مذاکره، هوشمندی بالایی حاتم‌کی را در انتخاب یکی از مهم‌ترین مقاطع زندگی و مبارزات شهید چمران می‌رساند). مذاکراتی که در حال محاصره تمام عیار انجام و پیش می‌رفت!

مذاکراتی که برای نجات مردم انجام می‌شد و به‌رغم تمامی سعی و تلاش دکتر چمران، سرانجام با پیاده‌خواهی‌ها و بد عهدی‌های طرف مقابل (به‌رغم دوستی دیرینه یکی از سرکردگان آنها به نام دکتر عنایتی با شهید چمران) به نتیجه‌ای نرسید تا آنجا که دکتر چمران در یکی از آخرین صحنه‌های فیلم برای مردمی که محاصره شده بودند، گفت همه تلاشش را برای خاموش کردن صدای گلوله‌ها به کار گرفت اما به نتیجه‌ای نرسید!

به نظرم این نتیجه‌ناگیز هرمان مذاکراتی است که در شرایط محاصره انجام می‌شود که دکتر عنایتی در همان دیدار قبرستان گفت: «... انتهایش، تسلیم است!»

اما گناه دوستانش که اسیر پاسداران شده‌اند را اسارت در دستان کسانی می‌دانست که تسلیم شدن را بلد نیستند! (این جمله را در همان صحنه‌ای گفت که ناگهان در اتومبیلش و در حالی که آماده فرمان شروع جنگ پس از مهلت ۳۰ دقیقه‌ای بود با دکتر چمران

ندارد. او حتی نسبت به دشمن نیز ارزیابی دقیقی می‌توان گفت کاراکتری که ابراهیم حاتم‌کی از دکتر چمران در فیلم «چ» ترسیم کرد، یکی از قوی‌ترین شخصیت‌پردازهای اسطوره‌ای در تاریخ سینمای ایران بود که به جرات می‌توانم آن را بی‌سابقه بدانم.

و لحظه اصلی فیلم که تمامی اوج و فروودها و درگیری‌ها و شخصیت‌پردازی‌ها و بحث و جدل‌ها، گویی برای همان لحظه



قالب

کنگره شعر دفاع مقدس کلید خورد

کنگره شعر دفاع مقدس از رویدادهای ادبی با سابقه در کشور ماست که مدتی دچار افت و بی‌تحریکی شده بود. خبر خوب این‌که قرار است بیست و پنجمین دوره این کنگره به نام کنگره سراسری شعر دفاع مقدس و مقاومت برگزار شود. در این عکس ایبنا، علی‌اصغر جعفری، معاون رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس را در حال امضای پوستر این کنگره مشاهده می‌کنید.

محمدحسین انصاری‌نژاد، دبیر علمی کنگره هم گفته است ۲۰ داور از پیشگوستان شعر دفاع مقدس در کنگره اسما کار داوری را انجام می‌دهند.

ضرورت حمایت مالی از آموزش زبان فارسی

شهرزاد فلاح‌تپیشه، معاون بین‌المللی بنیاد سعدی با بیان اینکه این بنیاد با هدف جلب توجه دستگاه‌های مختلف و نیز استفاده از قوانین موجود کشور خصوصاً در حوزه مالیاتی برای کمک به بهبود وضعیت بودجه قابل‌صرف در خارج از کشور برای آموزش زبان فارسی پیگیری مستمر داشته است، گفت: امروزه بسیاری از مؤسسات مشابه بنیاد سعدی که زبان کشور خود را در کشورهای دیگر آموزش و ترویج می‌دهند، با اتکا بر حامیان زبان ملی خود که به‌صورت‌های مختلف و خصوصاً مالی پشتیبانی‌های وسیعی می‌کنند، به فعالیت در خارج از مرزهای خود مشغول هستند. نمونه در دسترس آن را می‌توان در بنیاد یونس‌امره ترکیه که دارای شعباتی در کشورهای مختلف است، دید. با مراجعه به وبگاه این بنیاد، مشاهده خواهید کرد که بیش از ۱۰ مؤسسه حامی فعالیت‌های فرهنگی این مؤسسه از جمله حوزه زبان آموزی هستند.

حال در سمت ما سؤال این است که کدام مؤسسه فرهنگی، اقتصادی و مالی با کدام قانون مصوب مجلس اکنون حامی‌گسترش زبان فارسی و ترویج آن در خارج از کشور و برای

غیرفارسی‌زبانان است؟ / تسنیم

